

به نام خداوند جان و خرد

دانش آموزان عزیز : با سلام و آرزوی موفقیت برای شما در تمام مراحل زندگی ، در این چند صفحه ، ضمن بررسی سئوالات فارسی کتاب (**نمونه آزمون های پایه ششم ابتدایی**) برخی موارد و نکاتی که می تواند در پاسخ دادن به این سئوالات به شما کمک کند ، را انتخاب و به طور خلاصه به تعریف و تشریح آن ها پرداخته شده است . امید است مورد استفاده ی شما عزیزان قرار بگیرد .

تعریف کلمه و انواع آن :

کلمه : یک لفظ معنادار است که از مجموعه ی چند حرف تشکیل شده است . **استثناء :** حرف ربط «و» که یک حرف دارد .
انواع کلمات : کلمات شامل ۹ بخش می باشد . « **اسم ، صفت ، عدد ، کنایه ، فعل ، قید ، حرف اضافه ، حرف ربط ، شبه جمله** » در ادامه به تعریف و توضیح برخی از آن ها پرداخته می شود .

ترکیب وصفی و ترکیب اضافی و روش تشخیص آن ها

ترکیب وصفی تشکیل شده است از: (اسم + صفت) **ترکیب اضافی تشکیل شده است از: (اسم + اسم)**
برای تشخیص این ترکیب ها از هم کافی است که نوع کلمات هر ترکیب را بشناسیم که **اسم** است یا **صفت** . که اگر هر دو کلمه ی ترکیب ، **اسم** بود؛ آن ترکیب «**اضافی**» و اگر یک کلمه **اسم** و کلمه ی دیگر **صفت** بود آن ترکیب «**وصفی**» است .

اسم : اسم کلمه ای است که برای نامیدن شخص ، حیوان ، گیاه ، مکان ، اشیاء و ... به کار می رود .

صفت : کلمه ای است که همراه اسم «قبل یا بعد از آن» می آید ؛ و در مورد آن توضیح می دهد «و ویژگی آن را بیان می کند .»

مثال : در ترکیب های: **گل خوش بو ، مداد سبز ، ماشین بزرگ و غذای گرم . کلمات: گل ، مداد ، ماشین و غذا «اسم»**

و کلمات: خوش بو ، سبز ، بزرگ و گرم «صفت» می باشد

نکته ۱ : نوع یک کلمه در برخی موارد می تواند تغییر کند . مثلاً: «سبز» **صفت** است اما با افزودن (ی) به **اسم** تبدیل می شود

سبز «**صفت**» + ی ← سبزی «**اسم**»

نکته ۲ : نوع کلمه ممکن است با توجه به استقرار آن در جمله تغییر کند .

گل های **زیبا** در باغ است . **زیبا** به مدرسه آمد . محمد شعر **رازیبا** می خواند .

که کلمه ی «**زیبا**» در جمله ی اول «**صفت**» است . در جمله ی دوم «**اسم**» و در جمله ی سوم «**قید**» می باشد .

اما اگر تشخیص نوع کلمه (**اسم یا صفت بودن**) مشکل بود می توان از روش های زیر استفاده نمود .

۱- افزودن (**تو**) یا (**قرین**) به کلمه ی دوم ترکیب ۲- برداشتن «**ربط**» بین دو کلمه ی ترکیب و افزودن یکی از افعال ربطی «**است ، بود ، شد**» به آخر جمله ۳- افزودن «**ی**» بین دو کلمه

که اگر در یکی از موارد فوق، جمله و یا ترکیب **دارای معنا** بود ، آن ترکیب ، **وصفی** و در غیر این صورت **ترکیب اضافی** است .

نکته : البته روش های دیگری نیز برای تشخیص ترکیب ها وجود دارد که نیازی به تشریح آن ها نیست .

جمله ، ارکان «اجزای» جمله ، انواع جمله

تعریف جمله : جمله عبارت است از یک یا چند کلمه که در کنار هم ، معنا و مفهومی را به شنونده یا خواننده برساند .

مثال : ۱- امیر به خانه آمد . ۲- بیا ۳- رفتم «**جمله**» هستند .

فعل : قسمت (جزء) اصلی جمله است که «انجام دادن کار» یا «داشتن حالتی» را بیان می کند .

با توجه به تعریف فعل «تعریف فوق» می توان **دو نوع جمله** را تعریف نمود .

* اگر فعل جمله «انجام دادن کار» را بیان کند به آن فعل «**غیر ربطی یا غیر اسنادی**» و به آن جمله «**فعلیه یا غیر اسنادی**» می گویند. مثال: عارف از مدرسه آمد. که «**آمد**» انجام کار **آمدن** را نشان می دهد. فعل **غیر ربطی** و این جمله «**جمله فعلیه**» است. * اگر فعل جمله «**داشتن حالتی**» را بیان کند به آن فعل «**ربطی یا اسنادی**» و به آن جمله «**اسمیه یا اسنادی**» می گویند. مثال: هوا سرد است. «**است**» فعل ربطی و جمله «**اسمیه**» **اسنادی** می باشد.

افعال ربطی: است، بود، شد، گشت، (گردید) فعل های ربطی هستند.

افعال غیر ربطی: سایر فعل ها که در جمله، انجام دادن کاری را بیان می کند. را افعال غیر ربطی می گویند.

ارکان (اجزای جمله)

ارکان اصلی در جمله ی **فعلیه** شامل: **فاعل**، **مفعول**، **فعل غیر ربطی** می باشد.

ارکان اصلی در جمله ی **اسمیه** «**اسنادی**» شامل: **مسند الیه**، **مسند**، و **فعل ربطی** می باشد.

نکته: البته در جمله می تواند علاوه بر این اجزاء، شامل اجزای دیگری (حرف ربط و اضافه، قید و ...) باشد.

فاعل: کسی یا چیزی که کار انجام می دهد. **مفعول:** کسی یا چیزی که کار روی آن انجام می شود.

مثال: محمد کتاب را برداشت محمد (فاعل) کتاب (مفعول) **نکته:** معمولاً مفعول قبل از حرف اضافه (را) می آید.

فعل ناگذر به مفعول (لازم): فعلی است که به **مفعول نیازی نداشته باشد** و معنی جمله با فاعل کامل شود.

مثال: حسن آمد حسین رفت

فعل گذرا (متعدی): فعلی است که علاوه بر فاعل به **مفعول نیاز دارد**.

مثال: محمود کتاب را آورد محمد، برادرش را دید.

مفعول فعل متعدی مفعول فعل متعدی

آرایه ادبی (عناصر، صنایع ادبی):

«مبالغه، کنایه، تشبیه، شفصیت بطنی (جان بطنی)، تضاد، تناسب (مراعات نظیر)»

مبالغه: بزرگنمایی یا توصیف پدیده ها و رویدادها بسیار بیش از آنچه که هست.

خروشید و جوشید و برکنند خاک ز سمش زمین شد همه چاک چاک

که شاعر در اثر گذاشتن **سم اسب بر زمین** بزرگنمایی نموده است.

نکته: فردوسی از آرایه مبالغه در آثار خود بیشترین استفاده را نموده است.

کنایه: صحبت غیر مستقیم در مورد یک مطلب «کنایه عبارت است از پوشیده سخن گفتن که دارای دو معنای **دور و نزدیک** است که هدف گوینده

معنای دور آن است). مثال: آب از دستش نمی چکد. **کنایه از خسیس بودن.** **نکته:** همه ضرب المثل ها کنایه هستند

تشبیه: «مانند کردن» چیزی یا کسی را به چیزی یا کسی دیگر مانند نمودن.

ارکان تشبیه: مشبه، مشبه به، ادات (ابزار تشبیه)، وجه شبه مثال: «معلم مانند شمع می سوزد»

معلم «مشبه» مانند «ابزار تشبیه» شمع «مشبه به» وجه شبه «نفع رساندن به دیگری» می سوزد: فعل غیر ربطی

شخصیت بخشی: (جان بخشی یا تشخیص) که نویسنده در آثار خود از زبان اشیاء یا موجودات دیگر سخن می گوید و به آنها کارهای انسانی را نسبت می دهد.

مثال: در شعر **میوه ی هنر** شاعر به درخت سپیدار، تبر و شعله جان می دهد و از زبان آنها سخن می گوید.

نکته: پروین اعتصامی در نوعی از اشعار خود که به **مناظره** مشهور می باشد از زبان اشیاء یا سایر موجودات سخن گفته است.

تضاد: آوردن کلمات متضاد (مخالف) که باعث زیبایی سخن می شود. **مثال:** نیکی و بدی که در نهاد بشر است **شادی و غمی** که در قضا و قدر است.

تناسب (مراعات نظیر): آوردن کلمات متناسب با یکدیگر، از نظر جنس یا زمان یا مکان، مشابهت و ...

مثال: ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند کلمات «ابر، باد، مه، خورشید، فلک» از نظر نوع «جنس» با هم تناسب دارند.

قالب های شعری - قافیه - ردیف

قالب شکلی است که قافیه به شعر می بخشد؛ و تفاوت قالب ها در چگونگی آرایش قافیه ی آنها است.

قالب های شعری معرفی شده در فارسی ششم ابتدایی: **مثنوی - غزل - قصیده و قطعه**

مثنوی: قالبی است که مصراع های هر بیت با یکدیگر، هم قافیه اند. و قافیه هر بیت با بیت های دیگر متفاوت است.

مثال: شعر نیایش پایان کتاب فارسی ششم در قالب **مثنوی** است.

غزل و قصیده: این دو قالب از نظر آرایش قافیه ها مشابه هم هستند. مصراع اول بیت اول با مصراع دوم همه بیت ها با هم «هم قافیه» هستند.

مثال: شعر «ای مادر عزیز» و «وطن» در کتاب فارسی ششم.

قطعه: در قالب **قطعه** مصراع های دوم هر بیت (مصراع های زوج) با هم هم قافیه اند.

مثال: شعر «میوه هنر» درس پانزدهم فارسی ششم

نکته: البته توضیحات تکمیلی و تفصیلی در مورد «قالب های شعری» را در سال های آتی خواهید آموخت. «ان شاء الله»

در **شمارش جمله ها** موارد زیر را باید مد نظر داشت: * شمارش فعل های موجود. * فعل های حذف شده * منادا * شبه جمله ها

نکته: در مورد متون نظم و نثر کهن، ابتدا باید آن متن را به فارسی روان امروزی بازگردانی نمود.

مثال: خدایا؛ کاش مردم قدر این کتاب آسمانی را می دانستند و قدر این پیامبر را

که شامل **چهار جمله** می باشد. ۱- خدایا (منادا) ۲- کاش (شبه جمله) ۳- می دانستند (فعل موجود) ۴- می دانستند (فعل حذف شده)

استفاده از پسوند «گذار و گزار»

گزار: معنی ادا کردن و انجام دادن **مثال:** خدمت گزار- سپاس گزار- شکر گزار

گذار: به معنی نهادن، قراردادن **مثال:** قانون گذار- پایه گذار- بنیان گذار

ماده یا بن فعل: جزء اصلی فعل است که **معنی فعل** را در بر دارد و در همه ی ساخت های فعل **ثابت** است.

هر فعل دو ماده «بن» دارد. «ماضی، مضارع» می رفتم «بن ماضی: رفت» می روم «بن مضارع: رو»

انواع ساختهای فعل ماضی و مضارع:

| شخص | ماضی | مضارع | شخص | ماضی | مضارع |
|--------------|------|--------|-------------|-------|---------|
| اول شخص مفرد | رفتم | می روم | اول شخص جمع | رفتیم | می رویم |
| دوم شخص مفرد | رفتی | می روی | دوم شخص جمع | رفتید | می روید |
| سوم شخص مفرد | رفت | می رود | سوم شخص جمع | رفتند | می روند |

صامت و مصوت: صامت: منظور از صامت تمامی نشانه های زبان فارسی می باشد منظور حروف الفبای فارسی البته بدون حرکت یا صداهای دیگر.

مصوت: منظور همان صداهای کوتاه و کشیده **آ او ای** می باشد

نکته: صامت ها در زبان فارسی ۲۹ مورد و مصوت ها ۶ مورد می باشند.

شبه جمله: کلمه ای است که به تنهایی معنی یک جمله دارد.

نمونه هایی از شبه جمله ها (کاش، الهی، مرحبا، به به، آه، عجب، شگفتا، آری، بله، چشم و ...)

حروف ندا(نشانه های ندا): ای ، یا، ایا «قبل از منادا» و الف بعد از منادا

منادا: کلمه ی بعد یا قبل از حرف ندا را **منادا** می گویند. **نکته:** در برخی موارد منادا بدون حرف ندا می آید.

نکته: اگر صدای آخر یک کلمه مصوت باشد در صورت اضافه کردن یک کلمه دیگر به آن و ساخت یک ترکیب جدید باید از یک صامت

میانجی استفاده نمود. دریا + آبی = دریای آبی مو + سپید = موی سپید

انواع کلمات:

ساده: کلمه ای که با هیچ پسوند و پیشوندی ترکیب نشده است. **مثال:** پول، شهر

مشق: کلمه ای که با یک پسوند و یا پیشوند ترکیب شده است **مثال:** بی پول، شهردار

مرکب: کلمه ای که از ترکیب دو کلمه ساده (مستقل) به وجود می آید. **مثال:** کتاب خانه - نوروز

ضمیر: کلمه ای است که جانشین اسم می شود، و نقش های آن را می پذیرد. ضمائر انواع مختلفی دارد؛ که ۲ نوع آن عبارتند از:

۱- ضمائر منفصل (جدا) «من - تو - او - ما - شما - آنها(ایشان)» ۲- ضمائر متصل (پیوسته) «م - ت - ش ، مان ، تان ، شان»

حروف: حرف کلمه ای است که معنی مستقلی ندارد؛ و بر سه نوع مهم می باشد:

حرف اضافه: «برای اضافه کردن کلمه ای به کلمه یا جمله ی دیگر» **مثل:** از، با، بر، برای، به، بهر، بی، تا، و....

حرف ربط: «ربط دادن کلمه ها و جمله ها» **مثل:** اگر، اما، پس، تا، و، چه زیرا، که و...

حرف نشانه: «مشخص کردن نقش کلمه در جمله» **مثل:** «را» نشانه ی مفعولی، «یا، ای» نشانه ی ندایی و...

قید: کلمه ای است که: زمان، مکان، یا چگونگی و حالت انجام یافتن فعل را نشان می دهد. قید انواع مختلف و متنوعی دارد که از مهم ترین آن ها: *

قید زمان مثل: «امروز، ناگاه، همیشه» * قید مکان مثل: «آنجا، بالا، همه جا، بیرون» * قید حالت مثل: «آهسته، سواره، خندان، مردانه»

تشخیص تفاوت یا تشابه کلمات در گزینه ها:

برای این منظور باید معیار و ملاک تفاوت یا تشابه بین کلمات گزینه ها را پیدا نمود، سپس گزینه صحیح را پیدا نمود.

مثال: کلمه کدام گزینه با بقیه تفاوت دارد؟ الف) علم ب) عمل ج) علوم د) معلوم

که ملاک و معیار هم خانواده بودن است.

نهاد و گزاره: که مربوط به جملات خبری می باشد

نهاد: کسی یا چیزی که در مورد آن خبری می دهیم **گزاره:** خبری که در مورد نهاد داده می شود.

نکته: برای تعیین نهاد و گزاره یا سایر اجزای یک جمله اگر از متون کهن است، حتماً باید آن را ابتدا به زبان امروزی بازنویسی نمود، سپس اجزای

آن را مشخص کرد.

تاریخ و ادبیات:

دانش آموزان عزیز: قسمت نام نامه (اعلام) آخر کتاب فارسی در حد نام شخصیت ها و آثار آنها را مطالعه نمایید.

و کلام آخر: دانش آموزان عزیز؛ به معنی لغات و واژه های کهن و بازگردانی متون کهن توجه خاصی داشته باشید، زیرا اکثر سوالات به نوعی به

این نکته مهم مربوط می شود.

موفق و مؤید باشید - رجایی جوان بخت